

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیپلوم انجنیر نسرین معروفی

۰۳ دسمبر ۲۰۱۳

موعظه خاینان و پایکوبی آنها از ننگنامه تاریخی*

به ارتباط امضای توافقنامه ستراتژیک و بحثها پیرامون این ننگنامه تاریخی که بین امپریالیسم جنایتگستر اضلاع متحده امریکا و اداره مستعمراتی کرزی، دیده و شنیده می شود که هرکدام از نویسندگان و مبلغان محتوای این ننگنامه را با اشکال مختلف و بعضاً شیوه های متناقض ارزیابی نموده اند.

برخورد و موقف قاطعانه نویسندگان آزاده، ملی و مبارزی که با درک از محتوای این ننگنامه تاریخی (توافقنامه ستراتژیک) توانسته اند مسؤلیت وجدانی و تاریخی خود را در قبال کشور و مردم خود اداء نمایند، قابل ستایش است. این شخصیت‌های ملی و مبارز با آشکار نمودن این "نگنامه" که جز استحکام امپریالیسم جنایتکار و شرکای جرمش به تمام رویدادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و کشاندن مردم افغانستان زیر یوغ امپریالیسم هیچ امیدواری، خلاف ادعای وطن‌فروشان که می گویند "باعث پیشرفت و ترقی کشور ما می گردد"، در بر ندارد، توانسته اند دین مبارزاتی خود را در قبال خلق ستم‌دیده و به اسارت کشیده ما اداء نمایند. امپریالیسم اضلاع متحده امریکا با امضای این معاهده خائنانه آرزو دارد نظارت عام و تمام – و آنهم روی مقاصد و اهداف شومی که در افغانستان و منطقه دارد – بر میهن ما قائم نموده امیال ضد بشری خود را تحقق بخشد.

انسانهای صادق و همه کسانی که دل در گرو خاک میهن و آرمانهای والای ستمکشان نهاده اند از همان ابتدای تجاوز امپریالیسم به کشور ما افغانستان خوب می دانستند، که استعمار با مسلط نمودن کرزی خودفروخته – این دلقک گوش به فرمان – تلاش می ورزد تا به اهداف استعماریش برسد، یعنی به اسارت کشیدن خلق ما، چور و چپاول ثروتها، پایگاه تأمین مواد خام، محل تاخت و تاز به کشور های همسایه و منطقه و صدور سرمایه تباه کن. در اینجا می خواهم به وطن‌فروشان و حامیان استعمار که به دفاع و پایکوبی از این ننگنامه در وبسایت انقیاد طلبان برخاستند، یاددهانی کنم.

آیا کدام عقل سلیم می تواند تصور کند که امپریالیسم اضلاع متحده امریکا در حالی که از یازده سال است با تجاوز خونین خود کشور ما افغانستان را تحت اشغال دارد و با احداث لشکرگاهها می خواهد تمام شاهرگهای این کشور را تحت کنترل خود بیاورد، همچنان در تعیین روابط سیاسی با همسایگانش خود نقش تعیین کننده داشته

باشد. با آنهم به زعم انسانهای خائن و خودفروخته، پیمان ستراتژیک پیمانی است که افغانستان را به طرف پیشرفت و ترقی سوق می دهد؟ امپریالیسم به این همه جنایت در حق مردم اکتفاء ننموده روزتاروز در تطبیق پلانهای استعماری خود گامهای گسترده تری را می گذارد. طوری که در این اواخر کشور ما افغانستان را در جمله متحدین مهم خود، خارج از ناتو قلمداد نموده، تا در تطبیق پلانها و جنگهای استعماری بعدی که در منطقه علیه بشریت در نظر دارد، افغانستان را پایگاه حملات تجاوزگارانۀ خود بسازد و از خلق آن به حیث نیروی مدافع استفاده نماید.

این انسانهای خودفروخته باید بدانند که استعمار جهت تأمین اهداف خود حالتی را به وجود آورده تا بدون جنگ و بدون تسلیحات با احداث پایگاههای نظامی و تصویب پیمان ستراتژیک به استثمار خلقها و دزدی منابع طبیعی ما پردازد. همچنان به مرور زمان توسط فعالیتهای ضد انسانی امراض استعماری خود را در رگ رگ خلق ما تزریق نماید، تا با نابودی ارزشهای والای انسانی که افغانها در طول تاریخ در وجود خود پرورش داده اند، زمینه های فکری آن را طوری عیار بسازد تا روی تمام ارزشهای انسانی خط بطلان بکشند. یکی از آن ارزشها دوستی و روابط انسانی با خلق های ممالک همسایه و در کل با خلق های منطقه است.

رویدادها به وضوح نشان می دهد که استعمار جدید به منظور تأمین اهداف خود شکل جدیدی را اتخاذ نموده است. یکی از خصوصیات مهم استعمار نو پرورش عمالی است که امپریالیسم به وسیله آنها به تبلیغات از شیوه های جدید و به اشکال نو آنچه را که آرزو دارد، بالای خلقهای ستمدیده تحمیل نماید، می پردازد. ما می بینیم که حامیان امپریالیسم جهت برآورده شدن امیال بادران استعمارگر خود، نه تنها خلقهای داخل یک کشور را با توطئه های قومی، زبانی و مذهبی به جان همدیگر می اندازند، بلکه در صدد اند تا همسایه ها را علیه همدیگر تحریک نموده، یکی را علیه دیگر به حمایت از جنگ های امپریالیستی در منطقه به نابودی همدیگر داخل میدان معرکه گردانند، تا بتوانند مانع اتحاد و همبستگی خلقهای ستمدیده گردیده و فضای اتحاد و روحیه مبارزاتی را نابود نمایند.

این خائنان و وطنفروشان تلاش می ورزند تا با پیشرفتهای ناچیز و بی اساس در زمینه های اقتصادی؛ یعنی زندگی بخور و نمیر، مردم را اغوا نمایند چه تا خلقهای بی بضاعت با زندگی بخور و نمیر قانع باشند و دست شان همیشه به طرف امریکا و جهان غرب دراز باشد. به این ترتیب خلق در بند افغان جهت تأمین زندگی بخور و نمیر وادار به همکاری شوند و استعمار بتواند منافع و امیال شوم خود را برآورده سازد. ریفورم های فرهنگی یعنی مطبوعات به اصطلاح آزاد که در حقیقت به غیر از پخش فرهنگ امپریالیستی که فقط تبلیغ و ترویج ارزشها و منافع استعمار ماهیت دیگری ندارند، آزادی زنان که فقط در چوکات ارزشهای استعماری می چرخد و آگاهی دادن به جوانان یعنی کشاندن به زرق و برق سیستم سرمایه داری. همین است پیشرفت و ترقی که وطنفروشان به حمایت از آن می ایستند و پایکوبی می کنند!!

این وطنفروشان به شکلی از اشکال به نفع بادران خود به تبلیغات می پردازند تا بتوانند فعالیتهای ضد استعماری را فلج و جرقه های مبارزه را خاموش سازند. یک تعداد دیگر از افغانها با تبلیغ صلح و به وجود آوردن کمیته های صلح که همه از جانب ممالک استعمارگر برگزار و تمویل می شود، دید و بازدیدهایی را سازماندهی می کنند. اینها از یک تعداد حامیان و جیره خواران خود دعوت می کنند تا در چنین جلسات اشتراک نمایند. آنها هم به کمال افتخار با قاتلان خلق ما دور میز مذاکره صلح جمع می شوند و به امیال و منافع استعمارگران سر تعظیم خم می کنند، بیانیه می دهند از فیصله های صادرشده غرب پشتیبانی می کنند. این نکته

را نباید فراموش کنند زمانی که اینها به تبلیغ مذاکرات صلح استعماری می پردازند و به حمایت از ننگنامه استعماری بر می خیزند، یگانه نتیجه اش به اسارت کشیدن خلق ما و وادار ساختن آنها به تحمل جنایات استعماری که قتل و قتال و هزاران بدبختی دیگر را به دنبال دارد، می باشد نه ترقی و پیشرفت و منفعتی را که یاوه سرایان به پشتیبانی از آن برمی خیزند.

موقفگیری، برخورد و حمایت و ظنفروشان از اهداف و پلانهای امپریالیسم و متحدینش در قبال سرنوشت مردم ما، عملی است خاینانه و صدمه ایست بس عظیم بر پیکر اتحاد ملی و مبارزات آزادیبخش مردم ما. تمام این برنامه های ضد بشری امپریالیسم که امروز در داخل کشور ما افغانستان و به همین ترتیب در کشورهای هم پیمان قاتلان خلق ما تحت اجراء قرار می گیرد، توسط مثنی از نویسندگان خائن و خودفروخته نگارش یافته و از طریق وبسایت انقیاد طلبان و تفرقه افکن افغان جرمن و امثال این وبسایت که هر روز به دسیسه های جدید باداران خود خیانت به خلق و توطئه به وبسایتهای دشمن کش را مرتکب می شوند، پخش می گردد.

خلق ستمدیده افغانستان باید بدانند که امروز مبارزه ما نه تنها علیه امپریالیسم است بلکه در عین حال علیه دشمنان داخلی، متحدین و همدستان امپریالیسم و کلیه کسانی است که از این روند خائنانه پشتیبانی می کنند. نمایندگان و مدافعان این سلطه استعماری باید بدانند که تجاوز خونین امپریالیسم به خاطر نجات خلق گرسنه و پابرهنه و حفظ سرحدات افغانستان از همسایه ها هرگز نبوده و نیست. شاید این را درک نکردند که مغز اوپاما به اندازه مغز حامیان این ننگنامه هنوز صدمه ندیده که منافع خلق ما برایش مطرح باشد. این خائنان حتی تاریخ کشور را هم ورق نزدند، تا بتوانند بیاموزند و پند بگیرند که در کدام دوران تاریخ که حاکمیت استعمار و نوکران آنها برقرار بوده معاهده ها و قراردادهایی به تصویب رسیده، که به نفع خلق افغانستان بوده باشد. این دشمنان خلق ستمدیده قبل از این که صفحات کاغذ را با قلمهای زهر آگین و ننگین خود سیاه نمایند، بهتر است چند کتاب تاریخ کشور را از نظر بگذرانند تا لاقل بتوانند متوجه نتایج شوم موعظه های پوچ و خائنانه خود گردیده و نظرات باداران خود را نشخوار نکنند. اینها دشمن استقلال و همبستگی ملی ما و دشمن اتحاد و همبستگی بین المللی هستند.

تبصره

من نه تنها این موافقتنامه را محکوم می کنم بلکه اداره مستعمراتی که در رأس آن کرزی خود فروخته قرار دارد، نزد مردم افغانستان با تمام جنایات و خیانت هائی که در حق مردم و کشور صورت گرفته، محکوم است. اما سؤال در اینجا است که چرا باید تصور نمود که امضای این ننگنامه از جانب انسانی که تارو پود وی به استعمار وابسته است، صورت نگیرد؟ آیا تا امروز عملی از جانب کرزی صورت گرفته که خلاف خواست و امیال امپریالیستها بوده باشد؟ انسانی که قتل و قتال و غارت و تباهی و به اسارت کشیدن توده ها را در اختیار امپریالیستها گذاشته پس چه مشکلی می تواند وی را از امضای این ننگنامه تاریخ به دور نگهدارد به غیر از خشم خلق، تا روزی در مقابل آن جوابگو باشد که این هم در مغز و ظنفرشانی مانند کرزی هرگز خطور نخواهد کرد. ما می دانیم که کرزی نقش مستقل نمی تواند داشته باشد که بدون اراده امریکا از امضای این ننگنامه ابا بپورزد. پس تمام این شادی بازیها ساخت و بافتیست بین کرزی و امپریالیسم امریکا که می خواهند رول وی را به حیث برده خود مختار در اواخر بردگی اش وانمود کنند از یک جانب و از جانب دیگر روحیه مردم را در زمینه و در عملی نمودن پلانهای بعدی خود معلوم نمایند. طوری که ما شاهد با به راه انداختن تبلیغات از ورای

رسانه های امپریالیستی و ناتوئی توسط مشتی میهنفروش و خاین هستیم، صحبت های آنها طوری عیار شده تا بتوانند وانمود کنند که این افغانها هستند که از کرزی تقاضای امضاء نمودن این موافقتنامه را می کنند در غیر آن کرزی حاضر به امضای آن نیست.

پس بعد از همه این شادی بازیها و صحنه سازیها به یقین روزی کرزی به دست خود این ننگنامه را به امضاء خواهد رساند.

*- در مقطع کنونی لازم دانستم تا مقاله مؤرخ ۱۳ جولای ۲۰۱۲ خود را دوباره با تبصره مختصر در اخیر به نشر برسانم.

ن. م.